

بطراچی چو گلر آغاز کردی
 هزاران طرح زیبا کردی
 عوادی جلادریک می تاشن
 عوادی جلادریک می تاشن
 شدی از فام لوح هستی آری
 شدی از فام لوح هستی آری
 زرش آن مرد از زنده گشتی
 زرش آن مرد از زنده گشتی
 سبک سنگ گران از جا پریدی
 سبک سنگ گران از جا پریدی
 زرا نند ^{لغوی صوبه} سسرای کرد بنیاد
 زرا نند ^{لغوی صوبه} سسرای کرد بنیاد
 فضای خاتمالیش کنج آمال
 فضای خاتمالیش کنج آمال
 موصل را بنوسد علاج درها
 موصل را بنوسد علاج درها
 چو هفت اوزک با مثل زمانه
 چو هفت اوزک با مثل زمانه
 صفالست بده و صفافی و خوش رنگ
 صفالست بده و صفافی و خوش رنگ
 که هر نقشی و رنگی بود از دم
 که هر نقشی و رنگی بود از دم
 زوشن طیر زیبا شکله خاست
 زوشن طیر زیبا شکله خاست
 عزالی ناف او پر مشک از فر
 عزالی ناف او پر مشک از فر
 ز طارن

ز طارن زین سخن ابر
 میان آن درختی کشیده
 رسم خام بودش از زین
 رسم خام بودش از زین
 بهشت خشن ز صفت بود طیار
 بهشت خشن ز صفت بود طیار
 بنامزد درختی سبز و فرخ
 بنامزد درختی سبز و فرخ
 همه مرغان او با مردمان ام
 همه مرغان او با مردمان ام
 در آن خانه مهور است
 در آن خانه مهور است
 هم بنشسته چون مشوق و عاشق
 هم بنشسته چون مشوق و عاشق
 یکی این لبان بوسته داده
 یکی این لبان بوسته داده
 اگر نظاره کا آنجا گشتی
 اگر نظاره کا آنجا گشتی
 همان بود سقف آن سپهری
 همان بود سقف آن سپهری
 عجیبی ای و ممدی چون دو پیکر
 عجیبی ای و ممدی چون دو پیکر
 عوادی در نظر هر روی دیوار
 عوادی در نظر هر روی دیوار